



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش:

روانشناسی عمومی

عنوان:

رابطه هوش هیجانی با مهارت اجتماعی در دانش آموزان
پایه دوم دوره آموزش متوسطه

استاد راهنما:

دکتر سلطانه علی کاظمی

استاد مشاور:

دکتر صغری استوار

نام دانشجو: نجمیه بدیعی

۸۷۰۸۷۰۴۱۲

پاییز ۱۳۸۹

سپاسگذاری

حال که بایاری خداوند و در سایه لطف بی دریغش مرحله دیگری از تحصیلات دانشگاهی خود را به اتمام رسانیدم برخود لازم میدانم از استادگرانقدر جناب آقای دکتر سلطانعلی کاظمی که باراهنمایی های علمی و اندرزهای بی شایبه مراموردحمایت قرار دادند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم . همچنین از استاد مشاور سرکار خانم دکتر صغری استوار و سرگروه محترم سرکار خانم دکتر حسینی که در انجام رساندن این پایان نامه مراهدایت نمودند سپاسگذاری می نمایم .

تقدیم به: ذات پاک پروردگار
که جان رافکرت آموخت و چراغ دل به
نورجان برافروخت

تقدیم به: زیباترین و ماندگارترین واژه
در کتاب زندگی
مادر مهربانم

تقدیم به: غنچه های خوشبوی باغچه ی
زندگی خواهرم
مریم و مرجان

فهرست مطالب

عنوان
صفحه

۱	فصل اول: طرح تحقیق	-----
۲	مقدمه	-----
۷	بیان مسأله	-----
۱۰	اهمیت و ضرورت پژوهش	-----
۱۳	اهداف پژوهش	-----
۱۴	فرضیه های پژوهش	-----
۱۵	تعاریف نظری و عملی متغیرها	-----
۱۸	فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش	-----
۱۹	الف) بحث نظری	-----
۱۹	مقدمه	-----
۲۰	تاریخچه هوش هیجانی	-----
۲۲	رابطه هوش هیجانی	-----
۲۳	اهمیت هوش هیجانی	-----
۲۴	ابعاد هوش هیجانی	-----
۲۵	الگوی هوش هیجانی	-----
۲۸	هوش هیجانی در تعلیم و تربیت	-----
۲۹	هوش هیجانی و یادگیری	-----
۳۰	عوامل اثر گذار بر هوش هیجانی و توانایی یادگیری	---
۳۱	هوش هیجانی از دیدگاههای مختلف	-----

فهرست مطالب

عنوان
صفحه

۳۲	----- دیدگاه گلמן
۳۸	----- نظریه مه یروسالووی
۳۹	----- نظریه بار- اون
۴۰	----- نظریه هانیز
۴۳	----- هوشبهر و هوش هیجانی
۴۵	----- مهارت اجتماعی
۴۶	----- تعریف مهارت های اجتماعی
۴۹	----- انواع مهارت اجتماعی
۵۴	----- ابعاد شناختی عاطفی در مهارت های اجتماعی
۵۵	----- ادراك اجتماعی
۵۷	----- (ب) پیشینه پژوهش
۵۷	----- پژوهشهای داخل کشور
۶۱	----- پژوهشهای خارج از کشور
۶۵	----- (ج) جمع بندی
۶۶	----- فصل سوم: روش شناسی پژوهش
۶۷	----- روش تحقیق
۶۷	----- جامعه آماری
۶۷	----- نمونه و روش نمونه گیری و حجم نمونه
۶۸	----- ابزارهای پژوهش

فهرست مطالب

عنوان

۷۰	----- صفحه روایی و پایایی ابزارهای پژوهش
۷۰	----- روش تجزیه و تحلیل آماری داده ها
۷۲	----- فصل چهارم: یافته های پژوهش
۷۳	----- یافته های توصیفی و یافته های استنباطی
۸۵	----- فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۸۶	-----	خلاصه تحقیق
۸۶	-----	بحث و نتیجه گیری
۹۱	-----	دستاوردهای اصلی پژوهش
۹۲	-----	محدودیت های پژوهش
۹۲	-----	پیشنهاد های پژوهش
۹۲	-----	پیشنهاد های کاربردی
۹۳	-----	پیشنهاد های پژوهشی
۹۴	-----	منابع فارسی
۹۹	-----	منابع لاتین
۱۰۳	-----	پیوستها

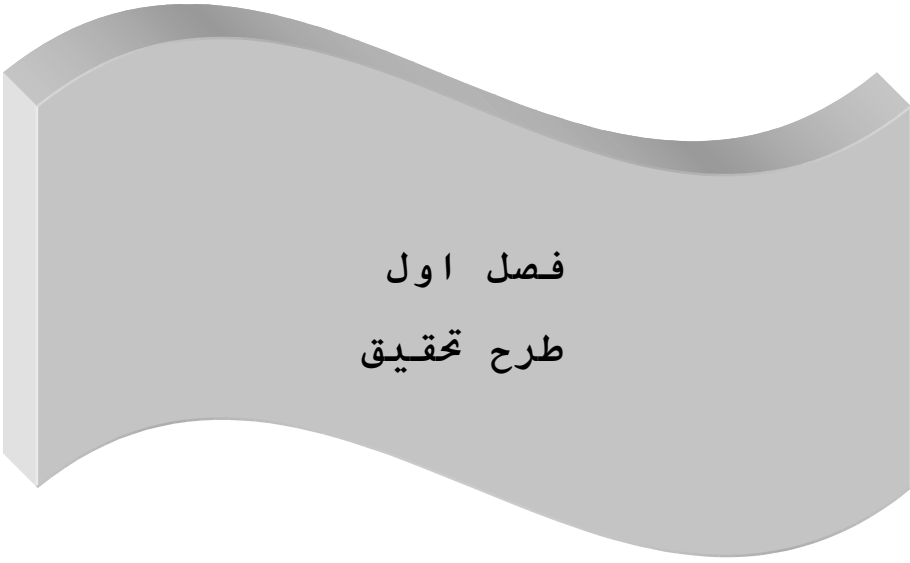
چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین هوش هیجانی با مهارت اجتماعی در دانش آموزان سال دوم متوسطه بود. اهمیت موضوع در این است که نوجوانان و جوانان به ویژه دانش آموزان دوره تحصیلی متوسطه و بالاتر در مقایسه با سایر دوره های زندگی بیشتر در معرض هیجان‌نا‌ات و احساسات هادش شرایط زندگی امروز قرار دارند. از این رو بر خورده منطقی با نیازها، و احساسات و آموزش مهارت های هیجانی و اجتماعی دانش آموزان ، بستری لازم جهت دستیابی به این هدف را فراهم می سازد. روش تحقیق در این مطالعه از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر سال دوم دبیرستان های شهرستان لامرد در سالهای تحصیلی ۸۹-۸۸ می باشد. حجم نمونه شامل ۳۲۰ نفر دانش آموز که متشکل از ۲۰۱ دختر و ۱۱۹ پسر می

باشد که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. ابزارهای استفاده شده در این تحقیق شامل دو پرسشنامه هوش هیجانی سیبریاشرینگ (۱۹۹۵) و پرسشنامه مهارت های اجتماعی ایندربیتزن و فوستر (۱۹۹۲) بود.

نتایج حاصله نشان داد که بین هوش هیجانی با مهارت های اجتماعی مثبت دانش آموزان همبستگی معنادار مثبت وجود دارد و رابطه هوش هیجانی با مهارت اجتماعی در دانش آموزان دختر کمتر از میزان همبستگی این دو متغیر در پسران است. همچنین هوش هیجانی می تواند مهارت اجتماعی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه را پیش بینی نماید و بین مهارت های اجتماعی مثبت پسران و دختران تفاوت معناداری وجود ندارد ولی مهارت های اجتماعی منفی دختران از پسران کمتر است.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، مهارت اجتماعی، دانش آموز



فصل اول
طرح تحقیق

مقدمه

هیجان‌ها در ابتدا ساده و به صورت گریه و خنده ظاهر می‌شود، ولی به تدریج پیچیده‌تر می‌گردد. احساس امنیت، از نیازهای عاطفی و اجتماعی اولیه‌ی کودکان است که باید در این دوره تامین شود. در دوران نوباوگی به علت اینکه نوباوگان نمی‌توانند احساسات خود را توصیف کنند، نمی‌توانیم دقیقاً مشخص نماییم که کدام هیجان‌ها را تجربه می‌کنند. گرچه تولید صدا و حرکات بدن اطلاعاتی را در اختیار ما قرار می‌گذارند، جلوه‌های صورت، مطمئن‌ترین نشانه‌ها را فراهم می‌آورند. شواهد میان فرهنگی حاکی است که افراد سراسر جهان، عکسهای جلوه‌های صورت متفاوت را به یک نحوه هیجان‌ها ربط می‌دهند (اکمن و فریزن^۱، ۱۹۷۲). این یافته‌ها که می‌گویند جلوه‌های هیجانی، علائم اجتماعی فطری هستند، الهام بخش پژوهشگران برای بررسی دقیق جلوه‌های صورت نوباوگان بوده است.

نوباوگان در چند ماه اول زندگی، حالت احساس خود را در ارتباط رودررو، با والدین هماهنگ می‌کنند و از طریق فرایند خودکار سرایت هیجانی^۲ به هیجان‌های دیگری می‌برند. بعد از شکل گرفتن این آگاهی‌ها، به ارجاع اجتماعی^۳ می‌پردازند، به این صورت که از یک فرد قابل اعتماد در یک موقعیت نامطمئن، اطلاعات هیجانی می‌طلبند. پیشرفت‌هایی که در بازنمایی ذهنی، زبانی و خودپنداره صورت می‌گیرد به رشد هیجانی در اوایل کودکی کمک می‌کنند. کودکان بین ۲ تا ۶ سالگی،

¹ Ekman & Friesen

² emotional contagion

³ social referencing

آگاهی بیشتری از احساسات خود و دیگران کسب می‌کنند و توانایی آنها در کنترل کردن ابراز هیجان بهبود می‌یابد. خودپروانی به پیدایی هیجانهای خود آگاه، مانند شرم، خجالت، گناه، رشک، و غرور نیز کمک می‌کنند.

در اواسط کودکی خود آگاهی و حساسیت اجتماعی بیشتر، به رشد هیجانی کمک می‌کند. و پیشرفت‌هایی در زمینه‌ی هیجان‌های خود آگاه، آگاهی از حالت‌های هیجانی، و خودگردانی هیجانی صورت می‌گیرد.

در دوران نوجوانی، پیشرفت‌های شناختی، دیدگاه نوجوان را نسبت به خود تغییر می‌دهد و آن را به صورت تصویر ذهنی پیچیده‌تر، سازمان‌یافته، و باثبات درمی‌آورد. تغییرات در خودپنداره و عزت نفس زمینه را برای پرورش هویت شخصی یکپارچه آماده می‌سازد (لورا ای برگ^۱، ۱۳۸۶). نوجوانان اغلب در تجربیات هیجانی و احساسات خود، به علت بلوغ هورمونی و شناختی و مواجه شدن با شبکه اجتماعی وسیعتر، افزایشی را احساس می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آگاهی از هیجان‌ها و ابراز احساسات در کلمات رفتارها، در میان دانشجویان دانشگاه افزایش می‌یابد.

حالات هیجانی که در میان نوجوانان شایع است عبارتند از خوشحالی و لذت، خشم، گناه، ترس، اضطراب، تنهایی، احساس افسردگی و سوگ که یادگیری و آگاه شدن، فهمیدن و پذیرش احساسهای ذهنی یک جنبه‌ی مهم رشد شخصی در طی نوجوانی است. همچنین، افراد نوجوان باید بیاموزند تا بر مشکلاتی که

¹ Laura E. Berk

در برابر احساس‌ها وجود دارد فائق آیند، یعنی اینکه چه زمان و چگونه احساس‌های خود را نشان می‌دهند و رفتار آنها چه پیامدهایی ممکن است برای خود و دیگران داشته باشد. توانایی در کنترل هیجان‌ها، نیازمند زمان و تجربه است. در فرایند یادگیری این مهارت‌ها، نوجوان گاهی نوسانات خلقی از یک قطب افراطی به قطب تفریطی دیگر را تجربه می‌کنند (بیابانگرد، ۱۳۸۸).

انسان‌ها در عین آنکه موجوداتی عقلانی هستند و خصائل هیجانی نیز دارند که این ویژگی آنها را به موجودی هیجانی نیز تبدیل کرده است. سال‌ها در فرهنگ‌های مختلف به واسطه سنت‌ها و قواعد مرسوم، عمل کردن بر اساس هیجان‌ها مذموم شمرده می‌شده است؛ زیرا این باور وجود داشته است که هیجان‌ها منشأ خشونت و ددمنشی هستند و این ویژگی با فرایندهای عالی تفکر همچون هوش در تضاد هستند، اما امروزه روان‌شناسان با طرح مفهوم هوش^۱ هیجانی سعی داشته‌اند این موضوع را روشن کنند که دو مقوله هوش و هیجان در تقابل بایکدیگر نیستند (آوریل^۲، ۲۰۰۷).

هوش هیجانی بر حسب الگوی مهارت^۳ مدار سالووی و مایر^۴ (۱۹۹۷) به نقل از براکت و کاتالاک^۵، (۲۰۰۷) به عنوان توانایی ادراک درست هیجان^۶، استفاده از هیجان^۷ در آسان سازی تفکر^۷، درک هیجان^۷ و

¹- emotional intelligence

²- Averill

³- skill- Based

⁴- Salovey & Mayer

⁵- Brackett & Katulak

⁶- perception Of Emotio

⁷- use Of Emotion To Facilitate

تنظیم هیجان‌ات^۲ در خود و دیگران در نظر گرفته شده است.

برخی دیگر از پژوهشگران هوش هیجانی رایج سازه انعطاف‌پذیر می‌دانند و معتقدند با آموزش‌های لازم و مقتضی به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌توان هوش هیجانی را در افراد افزایش داد و موجب رشد و شکوفایی آنها شد (لاتمیر^۳ و دیگران، ۲۰۰۷)

در سال‌های اخیر اصطلاح هوش هیجانی گسترش فزاینده‌ای یافته است، خصوصاً در زمینه کاربرد آن در تعلیم و تربیت، زندگی شخصی، محیط کار و تجارت، پژوهش‌هایی انجام شده است. (توبیاس^۴، ۱۹۹۵؛ گلمن^۵، ۱۹۹۵؛ بار آن^۶، ۱۹۹۶؛ تراویس^۷، ۱۹۹۷؛ به نقل از پلیتری، ۲۰۰۲) طرفداران هوش هیجانی بر این باورند که برای پیش‌بینی عملکرد فردی، هوش هیجانی نسبت به هوش عمومی‌توان بیشتری دارد. (گلمن، ۱۹۹۷؛ سالووی و اسلایتر^۸، ۱۹۹۷؛ وایزینگر^۹، ۱۹۹۷ به نقل از تیم^{۱۰}، و کیربی، ۲۰۰۲). همچنین گلمن (۱۹۹۸) معتقد است که هوش هیجانی بالا می‌تواند کیفیت عمومی‌زندگی و موفقیت‌های شخصی و اجتماعی فرد را ارتقاء دهد.

^۱-understanding

^۲ - magement of emotion

^۳ Latimer

^۴- Tobias

^۵- Goleman

^۶- Bar0On

^۷- Travis

^۸- Slayter, D. J

^۹- Weisinger

^{۱۰}- Thilam,L & Kirby,s

به رغم فقدان انسجام تجربی، برخی از الگوهای نظری از جمله شماره‌ی از الگوهای نظریه روان تحلیلی‌گری فروید، نظریه آموزشی دیویی^۱، نظریه اجتماعی-شناختی بندورا^۲، نظریه‌های عصب شناختی لوریا^۳ و ویگوتسکی^۴ و نظریه تحول شناختی پیاژه^۵ آشکارا آشکارا عاطفه، شناخت و رفتار را مرتبط با یکدیگر دانسته‌اند (گرین برگ، وایسبرگ، اوبراین، زینس، فردریکس، رسینگ، ۲۰۰۳) و تأثیر مستقیم فرد در تنظیم هیجان‌های شدید (از جمله خشم، اضطراب و اندوه) و برخورداری از خودآگاهی (خواه اجتماعی یا تحصیلی) بر عملکرد فردی را پذیرفته‌اند. افزون بر این آموزش خود مهارگری و نحوه استفاده مؤثر از مهارت‌های شناختی و ارتباطی منجر به کنش‌وری بین فردی بهتر و در نتیجه عملکرد تحصیلی قابل قبولتر خواهد شد (گرین برگ و کوش، ۱۹۹۳).

این‌یافته‌ها، نه تنها نشان می‌دهند که مهارت‌های اجتماعی مثبت طبیعتاً در بر دارنده‌ی نتایجی ارزشمند هستند بلکه می‌توانند به منزله‌یک ابزار در راه کسب دانش و تحول توانایی‌های شناختی مورد استفاده قرار گیرند.

گرچه پرورش مهارت‌های اجتماعی و دانش‌های مربوط به آن هنوز سال‌های اول رشد خود را می‌گذرانند اما روز به روز تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت می‌گیرد و به صورتی‌کی از ابعاد جدید آموزش و پرورش

^۱- Dewey, J

^۲- Bandura, A.

^۳- Luria, L.

^۴- Vygotski, L. S.

^۵- Piaget, J.

همگانی و تعلیم و تربیت ویژه درمی آید (دهقان ، ۱۳۸۸). آموزش مهارت‌های اجتماعی یکی از راه‌های افزایش هوش هیجانی است. این آموزش‌ها شامل برنامه‌های کنترل خشم و عصبانیت، همدلی، تشخیص و به رسمیت شناختن تشابهات و تفاوت‌های مردم، اظهار ادب و صمیمیت و تعارف، اداره خود، برقراری ارتباط ارزیابی خطرات، خودگفتاری مثبت، حل مسئله و مشکل، تصمیم‌گیری، ایجاد هدف و مقاومت در مقابل فشار گروه هم سن است.

هوش هیجانی دارای نقش حیاتی در سلامت روانی-اجتماعی کودکان است و نبود هوش هیجانی در کودکان به معنای آماده بودن زمینه وقوع انواع مشکلات و مسائل و اختلالات رفتاری در آنها خواهد بود. به عنوان مثال سطح پایین هوش هیجانی باعث کاهش قدرت اراده و قدرت مدیریت می‌شود. همچنین باعث افزایش تنبلی، عصبانیت، خشونت و استرس می‌شود.

در مورد رفتارهای بیرونی نیز سطوح پایین هوش هیجانی باعث ضعف در فعالیت‌های تحصیلی، افزایش تمایل به استفاده از دخانیات و الکل و میل به انحراف جنسی می‌شود.

بررسی‌های انجام شده در مورد اعتماد به نفس، همدلی، خودابزاری، خوشبینی و تحمل فشارهای روانی که همگی از مولفه‌های هوش هیجانی هستند، نشان می‌دهد که ارتقای این مهارت‌ها در افراد با ارتقای مهارت‌های اجتماعی و سلامت و بهداشت روان آنها همبستگی معناداری دارد.

مهارت‌های اجتماعی از جمله ویژگی‌هایی هستند که زمینه بروز آنها را باید از دوران نوجوانی‌ها حتی پیش از آن بررسی کرد. لذا اهمیت این موضوع همواره باید مدنظر والدین، معلمان، مربیان و مسئولان نظام و سعی تعلیم و تربیت باشد تا شاهد افرادی ماهر از نظر اجتماعی باشیم. زیرا همین مهارت‌های اجتماعی، سلامت روانی فرد و جامعه را تضمین می‌کند. مهارت‌های اجتماعی در عملکرد موفقیت آمیز در زندگی مهم هستند و این مهارت‌ها ما را قادر می‌سازد تا بدانیم که چه بگوئیم، چطور انتخاب‌های خوبی داشته باشیم و چگونه در موقعیت‌های گوناگون رفتار کنیم (دهقان، ۱۳۸۸).

بیان مسئله

هوش هیجانی و جنبه‌های جذاب و گسترده آن در دهه‌های اخیر علاوه بر روانشناسان و روان‌پزشکان توجه عموم را به خود جلب کرده است. به کارگیری مفهوم هوش اجتماعی برای اولین بار به دهه ۱۹۴۰ باز می‌گردد. پس از آن مایر و سالوی^۱ اصطلاح هوش هیجانی را توصیف کردند. گاردنر^۲ با الگوی تأثیرگذار خود به نام «هوش چند گانه» نقش عمده‌ای در شکل‌گیری نظریه هوش هیجانی داشت. براساس نظریه هوش چند گانه گاردنر^۲، دو الگوی عمده هوش وجود دارد: اول هوش و آگاهی درونی فرد که اجازه شناسایی و افتراق احساسات پیچیده انسان را می‌دهد و دوم دانش و آگاهی در روابط بین فردی که توانایی شناخت و تمایز

^۱- Mayer & Salovey

^۲- Gardner

عواطف و انگیزه‌های دیگران را به وجود می‌آورد. (سلطانی‌فر، ۱۳۸۶).

تحقیقات نشان داده که EQ^۱ عامل مهمی در ایجاد تغییرات اساسی در زندگی است. گرچه کودکان با سرشت و فطرت گوناگون به دنیا می‌آیند و چگونگی برخورد آنها با مسائل چون برخوردهای اجتماعی اشتیاق، خجالت و غیره متفاوت است. اما هوش عاطفی به والدین و مربیان کمک می‌کند تا بر روی قابلیت‌ها یا عدم وجود آنها کار کرده و بنابراین کودکان را برای رویارویی با جامعه بیرونی آماده کنند.

تحقیقات نشان داده دخترانی که در سنین راهنمایی از احساسات سردرگمی، خستگی و عصبانیت توأم با گرسنگی رنج می‌برند احتمال می‌رود که در سنین نوجوانی دچار اختلالات گوارشی شوند. این بچه‌ها از احساسات خود و اینکه اصولاً این احساسات چه هستند، بی‌خبرند. اما اگر در شرایطی قرار بگیرند که بتوانند از هوش عاطفی خود بهره‌مند شوند، مسلماً به هیچیک از موارد دچار نخواهند شد. هیجان در جریان تعلیم و تربیت بسیار مهم است. زیرا توجه را برمی‌انگیزد، که باعث انگیزه‌یادگیری و حافظه می‌گردد. شکی نیست که طریق انسجام‌یافتن رفتارها، هیجانها و شناختها در دهه اول رشد، کاربرد مهمی در

¹ emotional intelligence

کنش هیجانی و روانی فرد در تمام پهنه زندگی دارد (پورکلند^۱، ۱۹۸۹، به نقل از طوسی، ۱۳۸۵).

یادگیری اجتماعی- هیجانی به توانایی برای درک و اداره و بیان موفقیت آمیز جنبه‌های اجتماعی و هیجانی زندگی مانندیادگیری نحوه برقراری رابطه، حل مسائل و مشکلات روزمره و سازگاری با تقاضاهای پیچیده، رشد و نمو اشاره دارد (الیاس، ۱۹۹۷، به نقل از طوسی، ۱۳۸۵).

از نظر گلمن (۱۹۹۵). هوش هیجانی، در عمومی‌ترین سطح به قابلیت‌هایی جهت تشخیص و تنظیم احساسات و هیجانات در خودمان و دیگران اطلاق می‌شود. چهار حوزه هوش شناختی را شامل خودآگاهی، خویش‌داری، آگاهی اجتماعی و مدیریت ارتباطی می‌داند. این دیدگاه با هدف از هوش هیجانی در این پژوهش هماهنگ می‌باشد.

این ظرفیت‌ها افراد را برای شناسایی و مدیریت هیجانی، ایجاد رابطه سالم، انتخاب هدف‌های مثبت، نیازهای اجتماعی و گرفتن تصمیم مسئولانه و اخلاقی توانا می‌سازد. (الیاس ۱۹۹۷، به نقل از طوسی، ۱۳۸۵).

منظور از مهارت اجتماعی در این پژوهش، مجموعه رفتارهای آموخته شده‌ای است که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه اثر بخشی داشته و از واکنش‌های نامعقول اجتماعی خود داری کند. کودکانی که مهارت اجتماعی کافی کسب کرده‌اند. در ایجاد رابطه با

^۱ - Porkland

همسالان (آشروتیلر^۱، ۲۰۰۱) ویادگیری در محیط آموزشی (واکروهویس، ۲۰۰۳) موفقتر از کودکانی هستند که فاقد این مهارت هستند.

اسلبی و گوآرا^۲ (۲۰۰۳) مهارت اجتماعی را مترادف سازگاری اجتماعی می‌دانند. از نظر آنها مهارت اجتماعی عبارت از توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه خاص اجتماعی به طوری که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند باشد.

استرایر^۳ (۱۹۹۸) مهارت اجتماعی را همانند سازگاری متقابل کودک با محیط اجتماعی و در رابطه با همسالان می‌داند. در این الگو، سازگاری به توانایی و ظرفیت کودک در پیش‌بینی کردن، جذب نمودن، و عکس‌العمل نشان دادن به نشانه‌های موجودیک بافت اجتماعی دارد. این نشانه‌ها شامل حالات عاطفی، یا رفتار همسالان می‌باشد. در این فرایند رشد عاطفی و اجتماعی کودک دخالت دارد، توانایی کودک‌یا نوجوان در انتخاب رفتار مناسب و ارزشیابی در مورد رابط اجتماعی و ساختار گروه، میزان مهارت، و قابلیت اجتماعی را مشخص می‌سازد.

یکی از نظریه‌های جدید در مبحث شناخت اجتماعی که به بررسی مهارت‌های اجتماعی پرداخته است. نظریه کریک و داج^۴ (۱۹۹۹) در مورد پردازشگری اطلاعات اجتماعی است. طبق این نظریه برای اینکه تعامل اجتماعی به صورت مناسب تحقیق‌یابد لازم است که محرک

¹- Asher & Taylor

²- Sleby & Goara

³- Strayer

⁴- Crick & Dadge

اجتماعی به درستی رمزگردانی شده و با دیگر اطلاعات مربوط مقایسه و تفسیر گردد. هر چه محرک اجتماعی بهتر پردازش شود، لیاقت، مهارت اجتماعی کودک بیشتر و تعامل با دیگران موفقیت‌آمیزتر خواهد بود. لذا با توجه به اهمیت و نقش مهارت‌های اجتماعی در سازگاری و موفقیت افراد به ویژه دانش‌آموزان از یک سو و امکان‌یادگیری توانایی‌های هوش هیجانی از سوی دیگر و از آنجا که تا کنون در زمینه رابطه هوش هیجانی و مهارت اجتماعی در داخل کشور پژوهش کمتر صورت گرفته، پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان دوره متوسطه می‌باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

هوش هیجانی، جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چکانیک انقلاب بزرگ در زمینه ارتقای بهداشت روانی یاد می‌شود. در واقع مفهوم هوش هیجانی یک حیطه چند عاملی از مجموعه مهارت‌ها و صلاحیت‌های اجتماعی است که بر توانایی‌های فرد برای تشخیص درک و مدیریت هیجان، حل مسأله و سازگاری تأثیر می‌گذارد به طور مؤثری فرد را با نیازها، فشارها و چالش‌های زندگی سازگار می‌کند.

اهمیت موضوع در این است که چنانچه افراد بدانند برای موفقیت در محیط‌های کار، تحصیل و یا زندگی صرفاً استفاده از هوش شناختی کافی نیست و هوش عاطفی هم در دستیابی به موفقیت بیشتر نقش دارد، قادر